

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فمینیسیم و روابط بین الملل

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل  
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

ربابه باباخانی

زمستان ۱۳۸۸



## فمینیسم و روابط بین الملل

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته روابط بین الملل

توسط :

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۲

ربابه باباخانی

استاد راهنما :

دکتر عبدالعلی قوام

زمستان ۱۳۸۸

وزارت علوم و تحقیقات  
شیراز

تقديم به :

خواهرم عاليه

## برگ تایید پایان نامه

عنوان پایان نامه : فمینیسم و روابط بین الملل

نام دانشجو : ربابه باباخانی

دوره : کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

این پایان نامه در جلسه ۱۴ / ۱۳۸۸/۱۷ با شماره ۱۹ و درجی مورد تأیید اعضای کمیته پایان نامه متشکل از استادان زیر قرار گرفت :

دکتر عبدالعی قوام

استاد راهنما

امضا

دکتر محمدرضا تاجیک

استاد مشاور

امضا

دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی

استاد ناظر

امضا



## اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی مهرماه ۱۳۸۷ تا زمستان ۸۸ به انجام رسیده است. به استثناء کمکهای مورد اشاره در سپاس گذاری محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه ها ارائه نشده است.

ربابه باباخانی

بهمن ۱۳۸۸

امضا



## سپاس‌گزاری

نگارش این پایان‌نامه با تمامی نقایص و اشکالات آن در زمانه‌ای محنت‌بار- بیش‌تر برای دو تن از دوستانم- مرهون تلاش اساتید و دوستانی است که برای گذر از این دوره همراهی‌ام کردند. به پاس این همراهی سپاس‌گزارم از دکتر عبدالعلی قوام، بابت شکیبایی و راهنمایی‌هایش؛ دکتر محمدرضا تاجیک برای هم‌دردی‌هایش، دکتر منصور میراحمدی برای همراهی‌هایش، دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی برای راهنمایی و دلگرمی‌هایش، خانم مهین مرندی برای هم‌دلی‌هایش، از دکتر حمیرا مشیرزاده، برای در اختیار گذاشتن مقاله‌های انگلیسی در باب فمینیسم و امنیت در روابط بین‌الملل. سپاس‌گزارم از دوستان عزیزم معصومه ثانی جوشقانی برای نظم دادن به انبوهی از مطالب و فیش‌های دسته‌بندی‌نشده، سمانه سمیعی برای تهیه بخشی از منابع فصل سوم و علی پیری برای ترجمه چکیده این رساله. سپاس‌گزارم از دوست بزرگ‌وارم پری‌رخ هاشمی که در روزگاری سخت به یاریم آمد و محسن، برای امید به فردا.

عنوان: فمینیسم و روابط بین الملل

دانشجو: ربابه باباخانی

استاد راهنما: دکتر عبدالعلی قوام

دوره: کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

تاریخ ارائه: بهمن ۱۳۸۸

### چکیده:

پایان جنگ سرد و از میان رفتن فضای دو قطبی نویدبخش ظهور طیف گوناگونی از نظریات در دانش روابط بین الملل بود که توجه خود را به بخش های پنهان و از نظر افتاده در نظریات جریان اصلی معطوف کرده بودند. فمینیست ها به عنوان شاخه ی مهمی از این گرایش ها با برجسته نمودن زنان در این عرصه کوشیده اند تا ضمن انتقاد از نظریه های سنتی در صحنه روابط بین الملل، رهنمودهای جدیدی را برای اداره جهان پس از جنگ سرد ارائه دهند. آنان با تاکید بر غیاب زنان در عرصه های سیاستگذاری و دیپلماسی، حضور زنان را نویدبخش دنیایی امن تر برای مردم می دانند. در همین رابطه فمینیست ها با گسترش مفهوم امنیت از ابعاد سخت افزاری به ابعاد نرم افزاری و ذکر مفهوم «راحتی» بعد روانی امنیت را مورد تاکید قرار می دهند. از نگاه این طیف از نظریه پردازان، مرجع امنیت از دولت به مردم و افراد گسترش پیدا کرده و دنیای امن تنها در سایه امنیت تک تک افراد محقق خواهد شد.

**کلمات کلیدی:** فمینیسم، روابط بین الملل، امنیت.



# فهرست:

۱	فهرست:
۴	فصل اول: کلیات
۷	فصل دوم: بررسی نظریات فمینیستی در روابط بین الملل:
۱۴	۱-۳-۴) مبانی فلسفه فمینیسم:
۱۵	۱-۳-۲) معرفت شناسی و شناخت شناسی فمینیسم:
۱۶	۱-۲-۳-۴) اهمیت مفهوم تفاوت:
۱۷	۱-۱-۲-۳-۴) تفاوت های میان زنان:
۱۷	۲-۲-۳-۴) بازنگری مفاهیم وابستگی:
۱۷	۳-۲-۳-۴) اخلاق جنسی به عنوان سنت فرهنگی:
۱۸	۴-۲-۳-۴) تجاوز و خشونت جنسی:
۲۰	۵-۲-۳-۴) قومیت و هویت: مشکل ذات گرایی و چالش پسامدرن:
۲۰	۳-۳-۴) نظریه پردازی فمینیستی:
۲۲	۱-۱-۱-۱-۱-۱) ژولیا کریستوا
۲۳	۲-۱-۱-۴-۴) دوپوار:
۲۴	۲-۴-۴) فمینیسم به عنوان جنبش سیاسی:
۲۴	۳-۴-۴) تئوری های فمینیسم و مفهوم قدرت:
۲۵	۱-۵-۴) موج اول فمینیسم:
۲۵	۱-۱-۱-۵-۴) گرایش فرهنگی:
۲۵	۲-۱-۱-۵-۴) گرایش عاطفی:
۲۶	۳-۱-۱-۵-۴) توجه به توانایی های ویژه زنان:
۲۶	۲-۵-۴) موج دوم فمینیسم:
۲۶	۳-۵-۴) موج سوم فمینیسم:
۲۷	۴-۵-۴) انواع فمینیسم:
۲۷	۱-۴-۵-۴) فمینیسم لیبرال:
۲۹	۲-۴-۵-۴) فمینیسم مارکسیستی:
۲۹	۳-۴-۵-۴) سوسیال فمینیسم:
۳۰	۴-۴-۵-۴) فمینیسم پست مدرن:
۳۲	۱-۴-۴-۴-۴) فمینیست های سیاه:
۳۳	۲-۴-۴-۵-۴) فمینیسم بومی:
۳۴	۵-۴-۵-۴) فمینیسم در کشورهای اسلامی:
۳۴	۱-۵-۴-۵-۴) فمینیست های غیر اسلامی:
۳۵	۱-۱-۵-۴-۵-۴) فمینیست های سکولار:
۳۵	۲-۱-۵-۴-۵-۴) فمینیست های ناسیونالیست و لیبرال:
۳۶	۲-۵-۴-۵-۴) فمینیسم اسلامی:
۳۶	۱-۲-۵-۴-۵-۴) متدولوژی فمینیسم اسلامی:
۳۷	۲-۲-۵-۴-۵-۴) هرمنوتیک فمینیسم اسلامی:

- ۴۶ ..... ۱-۲-۶) مناظره اول و فمینیسم:
- ۴۷ ..... ۲-۲-۶) مناظره دوم و فمینیسم:
- ۴۷ ..... ۳-۲-۶) مناظره سوم و فمینیسم:
- ۴۸ ..... ۱-۳-۶) فمینیسم لیبرال:
- ۴۹ ..... ۲-۳-۶) فمینیست های اصول گرا:
- ۵۱ ..... ۳-۳-۶) فمینیسم پست مدرن:
- ۵۶ ..... فصل سوم: تحول مفهوم امنیت در نظریه های روابط بین الملل:
- ۵۸ ..... ۱-۱-۲) کلاسیک های قدیمی:
- ۵۸ ..... ۱-۱-۱-۲) تلقی سلبی از امنیت:
- ۵۸ ..... ۲-۱-۱-۲) تلقی طبیعت به مثابه موضوع:
- ۵۸ ..... ۳-۱-۱-۲) طبیعت به مثابه کانونی خطر ساز:
- ۵۸ ..... ۲-۱-۲) کلاسیک های جدید:
- ۵۹ ..... ۱-۲-۱-۲) گفتمان ایجابی امنیت:
- ۵۹ ..... ۲-۲-۱-۲) طبیعت به مثابه الگو:
- ۵۹ ..... ۱-۲-۲-۱-۲) رفتار گرایان:
- ۵۹ ..... ۲-۲-۲-۱-۲) اصول گرایان:
- ۶۱ ..... ۱-۴-۲) دیدگاه عین گرایی:
- ۶۱ ..... ۲-۴-۲) دیدگاه ذهن گرایی:
- ۶۲ ..... ۱-۵-۲) امنیت ملی:
- ۶۲ ..... ۲-۵-۲) امنیت بین المللی و جهانی:
- ۶۳ ..... ۱-۶-۲) مرجع امنیت:
- ۶۳ ..... ۱-۱-۶-۲) مرجع سنتی امنیت:
- ۶۳ ..... ۱-۱-۱-۶-۲) امنیت رژیم:
- ۶۳ ..... ۲-۱-۱-۶-۲) امنیت دولت:
- ۶۳ ..... ۲-۱-۶-۲) مرجع نوین امنیت:
- ۶۴ ..... ۲-۶-۲) تهدید امنیتی:
- ۶۴ ..... ۳-۶-۲) امنیت سازی:
- ۶۵ ..... ۱-۳-۶-۲) اثبات گرایان:
- ۶۵ ..... ۲-۳-۶-۲) فرا اثبات گرایان:
- ۶۶ ..... ۱-۱-۳) واقع گرایی کلاسیک:
- ۶۷ ..... ۱-۱-۱-۳) اصول مشترک امنیتی واقع گرایان کلاسیک:
- ۶۷ ..... ۱-۱-۱-۱-۳) دولت گرایی:
- ۶۸ ..... ۲-۱-۱-۳) اصل بقا:
- ۶۸ ..... ۳-۱-۱-۱-۳) خود یاری:
- ۶۸ ..... ۲-۱-۳) نو واقع گرایی:
- ۷۲ ..... ۱-۲-۳) رویکرد نظم طبیعی (لسه فر):

- ۷۲ ..... رویکرد صلح دموکراتیک (۲-۲-۳)
- ۷۳ ..... رویکرد نهاد گرایی نولیبرال (امنیت نهادگرا): (۳-۲-۳)
- ۷۹ ..... برنامه های امنیتی مکتب انتقادی: (۱-۴-۳)
- ۷۹ ..... آگاهی: (۱-۱-۴-۳)
- ۷۹ ..... ابزار انگاری: (۲-۱-۴-۳)
- ۷۹ ..... مقاومت اجتماعی: (۳-۱-۴-۳)
- ۸۰ ..... محورهای اصلی رویکرد امنیتی مکتب انتقادی: (۲-۴-۳)
- ۸۰ ..... فرد به مثابه مرجع امنیت در عرصه روابط و معادلات امنیتی: (۱-۲-۴-۳)
- ۸۰ ..... 3-4-2 پویایی امنیت: (۳-۲-۴-۳)
- ۸۰ ..... هرمنوتیکال بودن امنیت: (۳-۲-۴-۳)
- ۸۰ ..... استراتژی امنیتی در مکتب انتقادی: (۳-۴-۳)
- ۸۱ ..... ارتقای آگاهی و افزایش رضایتمندی: (۱-۳-۴-۳)
- ۸۱ ..... ابزار انگاری: (۲-۳-۴-۳)
- ۸۱ ..... مردم سالاری: (۳-۳-۴-۳)
- ۸۸ ..... فصل چهارم: فمینیسم و امنیت
- ۹۰ ..... نابینایی جنسیتی: (۱-۱-۱)
- ۹۰ ..... نقش های هویتی: (۲-۱-۱)
- ۹۰ ..... فقر و ناامنی اقتصادی: (۳-۱-۱)
- ۹۱ ..... تجربه مردانه و دولت محور: (۴-۱-۱)
- ۹۳ ..... سطح تحلیل امنیت در فمینیسم: (۱-۱-۱)
- ۹۴ ..... 1-1-2 موضوعات در مطالعات امنیتی فمینیستی: (۱-۱-۱)
- ۹۵ ..... جایگاه آزار و خشونت جنسی در تعریف امنیت فمینیستی: (۱-۲-۱-۱)
- ۹۶ ..... جایگاه جنگ در تعریف امنیت فمینیستی: (۲-۲-۱-۱)
- ۹۶ ..... 1-۲-۱-۱ جنگ به مثابه امری مردانه: (۱-۲-۲-۱-۱)
- ۹۷ ..... 1-۲-۱-۱ زن‌گریزی و ادبیات خشونت آمیز سربازان: (۲-۲-۱-۱)
- ۹۷ ..... 1-۲-۱-۱ تجاوز به عنوان یک استراتژی جنگی: (۳-۲-۱-۱)
- ۹۸ ..... نمونه موردی Comfort Women: (۱-۳-۲-۱-۱)
- ۱۰۰ ..... 1-۲-۱-۱ تجاوز نیروهای بین المللی حافظ صلح به زنان: (۴-۲-۱-۱)
- ۱۰۱ ..... 1-۲-۱-۱ تداوم ناامنی و خشونت علیه زنان پس از پایان جنگ: (۵-۲-۱-۱)
- ۱۰۲ ..... 1-۲-۱-۱ همکاری و صلح به مثابه امری زنانه: (۶-۲-۱-۱)
- ۱۲۶ ..... فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه‌گیری
- ۱۲۶ ..... اسناد و منابع
- ۱۳۱

# فصل اول: کلیات

طرح مساله (تعریف و اهمیت موضوع):

پایان جنگ جهانی دوم و فروپاشی شوروری و پیش از آن گسترش روند جهانی شدن، پیدایش طیف وسیعی از نظریات انتقادی و پست مدرن را در عرصه ی به دنبال داشت. این نظریه ها کار خود را با نقد فراروایت های حاکم بر این عرصه آغاز و سپس راهکارهای برون رفت از وضعیت حاکم را پیشنهاد می نمودند. نظریه فمینیستی به عنوان شاخه ای از این اندیشه ها و از جمله مباحث انتقادی بود که در مقابل نظریات جریان اصلی مطرح شد و با طرح رهایی بخشی زنان، این نظریه ها و به ویژه رئالیسم را به چالش کشید. در این دوران همچنین با از میان رفتن رقابت میان دو ابر قدرت و کشیده شدن جنگها به مرزهای داخلی کشورها و شدت یافتن منازعت قومی، زنان و کودکان به عنوان مهمترین قربانیان این جنگها متحمل انواع گوناگون خشونت گردیدند که نمونه بارز این امر را می توان در درگیری میان صربها و بوسنیایی ها مشاهده نمود. فمینیست ها با توجه به مسائل فوق و در نظرگرفتن این مساله که در رئالیسم و سایر نظریه های جریان اصلی مساله حضور زنان در جنگها و آسیب های وارده به آنها مساله ای حاشیه ای تلقی شده، به انتقاد از این رویکردها پرداختند. آنها در بررسی های خود در کنار مسائل نظامی، به موضوعات فرهنگی و اجتماعی توجه نمودند. از دیگر سو فمینیست ها با گسترش گستره مفهومی امنیت آن را در تمامی ابعاد انسانی گسترش داده و حتی آن را در ساختارهای خانگی جستجو کردند. از آنجا که ما در دوره ای به سر می بریم که در آن جنگها بعد فراملی داشته و مهم ترین قربانیان آن را نیز غیر نظامیان تشکیل می دهند، بحث و بررسی امنیت از منظر نظریات فمینیستی ضروری می نماید.

سابقه تحقیق:

در رابطه با این موضوع در ایران تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است و تنها در کتاب های نظریه های روابط بین الملل فصلی را به فمینیسم اختصاص داده اند. اما در دیگر کشورها به ویژه کشورهای غربی مقوله زنان به عنوان یکی از موضوعات مهم مطرح بوده است؛ به عنوان مثال تحقیقی از سوی موسسه هانریش بل تحت عنوان "صلح و امنیت برای همه" با تاکید بر مقوله زنان صورت گرفته است، در سال ۲۰۰۹ نیز مارگوت بدران کتابی با عنوان فمینیسم و امنیت در روابط بین الملل نگاشته است که متأسفانه نگارنده این رساله با نامه نگاری با این نویسنده به علت آماده چاپ نبودن آن نتوانست به این منبع در رساله خود دسترسی داشته باشد و تنها موفق به استفاده از تعدادی از مقاله های این نویسنده در رساله خود شد. از دیگر اقدامات انجام گرفته می توان به کتاب نظریه های فمینیستی در روابط بین

الملل و دیگر کتب و مقاله های چاپ شده در زمینه امنیت و زنان در متون انگلیسی نام برد که سعی شد به حد توان و ضرورت از آنها در این رساله استفاده شود.

سوال اصلی و سوالات فرعی تحقیق:

سوال اصلی:

آیا می توان با بهره گیری از نظریه های فمینیستی به جهان صلح آمیزتری دست یافت؟

سوالات فرعی:

- اندیشمندان فمینیست چه راهکارهایی را برای صلح ارائه می دهند؟
- امنیت در مفهوم فمینیستی در روابط بین الملل چه گستره ای را در بر می گیرد؟
- علت تقدم امنیت بر صلح از منظر فمینیستی چیست؟

مفروض ها:

۱. نظریه فمینیستی با تقدم نهادن بر امنیت انسانی، از بروز جنگ اجتناب می ورزد.
۲. جنگ های جدید در روابط بین الملل بعد فروملی داشته و زنان و کودکان مهمترین قربانیان آن هستند.
۳. امنیت در دنیای جدید در ابعاد نرم مطرح شده و دیپلماسی سنتی نیز به دیپلماسی عمومی تغییر شکل داده است.
۴. فمینیست ها با تعریف امنیت به امنیت انسانی دیدگاه متفاوتی از صلح و امنیت ارائه می دهند.

فرضیه:

نظریه فمینیستی با توجه بر ابعاد گوناگون امنیت در عرصه بین المللی و تاکید بر رفع اشکال گوناگون ناامنی در این عرصه، نوید دهنده دنیای صلح آمیزتری خواهد بود.

مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق:

متغیر مستقل: گفتمان زنانه

متغیر وابسته: صلح/ امنیت

روش تحقیق:

در این پژوهش سعی می شود با استفاده از روش توصیفی متون مرتبط با موضوع مورد تحقیق مورد بحث و بررسی قرار گرفته و برای سوالات تحقیق پاسخ مناسب ارائه گردد. ضمن اینکه فرضیات آن نیز مورد آزمون قرار گیرند.

فهرست مطالب(فصول پایان نامه):

فصل اول: کلیات

فصل دوم: بررسی نظریات فمینیستی در روابط بین الملل

فصل سوم: تحول مفهوم امنیت در نظریه های روابط بین الملل

فصل چهارم: فمینیسم و امنیت

فصل پنجم: نتیجه گیری

# فصل دوم : بررسی نظریات فمینیستی در روابط بین الملل:

(۱)مقدمه:

رشته روابط بین الملل در پی پاسخ گویی به دغدغه امنیت پس از جنگ جهانی اول به عنوان یک دیسیپلین با هدف بررسی علل صلح / جنگ میان دولت های گوناگون در سیستم های گوناگون نظم بین المللی مطرح گشت و قوام یافت . طی این دوران دلایل گوناگونی برای وقوع منازعه بین کشورها و به تبع آن راه حل های مختلفی برای رفع آن مطرح گشت؛ گروهی از این راه حل ها در برخی موارد کارساز بوده اند اما هیچگاه راه حلی دائمی و جهان شمول به شمار نمی روند چرا که تضاد و جنگ همچنان پهنه زیست بین المللی و داخلی کشورها را در بر می گیرد. نظریات انتقادی و از جمله نظریات فمینیستی که آهنگ نقد جریان اصلی حاکم بر رشته روابط بین الملل را دارند بر این ادعایند که می بایست به گونه ای متفاوت پیرامون جنگ و صلح اندیشید؛ در واقع این دسته از نظریات برآنند که با پرداختن به نظریات رفع مساله ای می بایست بنای جدیدی را بنیان نهاد و ماهیت مسائل را از نو ساخت.

هدف این پژوهش بررسی نظریات فمینیستی در روابط بین الملل و تاثیر و تاثرات این نظریات درون رشته روابط بین الملل است . به این ترتیب از آنجا که نظریات فمینیستی در دل رشته روابط بین الملل بررسی می گردد در این پژوهش به کندوکاو در نظریات فمینیستی با تاکید بر دغدغه های کلی رشته روابط بین الملل(صلح، امنیت و جنگ) می پردازیم. در این فصل با توجه به هدف کلی و سوال اصلی پژوهش، در جستجوی پاسخ به سوالات فرعی زیر طراحی و تدوین گشته است:

• ریشه ها و جایگاه نظریات فمینیستی در رشته روابط بین الملل چیست؟

• امنیت در مفهوم فمینیستی در روابط بین الملل چه گستره ای را در بر می گیرد؟

البته در این فصل به فرا خور بحث تنها به صورت اجمالی به این سئوالات پرداخته خواهد زیرا که این سوالات موضوع خود موضوع فصل چهارم پایان نامه حاضرند.

## ۲) تعریف فمینیسم:

واژه فمینیسم (feminisme) در سال ۱۸۳۷ و در واکنش به انقلابیون در طرد زنان از نهادهای انقلابی وارد زبان فرانسه شد. فرهنگ لغت ربر این کلمه را چنین تعریف می کند "آیینی که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است."<sup>۱</sup> می دانیم که تفکر از عمل جدایی ناپذیر است و این مفهوم نیز از زمان پیدایش آن در فرانسه با فعالیت های متعددی به منظور افزایش و بسط حقوق و نقش زنان در جامعه همراه بوده است؛ از دلایل شکل گیری این مفهوم در فرانسه می توان به انقلاب کبیر این کشور و پیامدهای آن بر زنان و به حاشیه راندن این گروه اشاره کرد. از نظر فرس با وجود این که زنان فعالانه در انقلاب فرانسه شرکت جستند، رژیم بعد از انقلاب آنها را از شهروندی سیاسی کامل محروم کرد. او سه محور طرد را که می توان در نظریه مابعدانقلابی رد آن را گرفت شرح می دهد: تفکر دموکراتیک، که زنان را از حقوق شهروندی محروم کرد، تفکر جمهوری خواه که زنان را از حق نمایندگی محروم کرد و تفکر فئودالی یا سلطنت طلب که مذكر بودن همیشگی نمایندگی نمادین قدرت سیاسی را تضمین کرد.<sup>۲</sup> پس از آن و در میلاد دموکراسی در غرب نیز زنان به عنوان بیگانگان این فرایند، در حاشیه های نهادهای تازه تاسیس قرار گرفتند، در یک بیان اجمالی می توان گفت که در میلاد دموکراسی مستثنا کردن زنان پاسخی بود به اضطراب عمیق مردان، اضطراب اینکه از آن پس در زنان دیگری خود را نیابند، دیگرانی که قدرت آنها را تضمین می کرد. فمینیست ها در توضیح این امر به سروری نرینگی اشاره می کنند، برای برای آنها این مقوله که بعضی آن را مردسالاری و یا نظام پدرسالار معنا کرده اند فقط نوعی تسلط نیست بلکه نظامی است که خواه آشکار و خواه نهان، تمام مکانیسم های نهادی و ایدئولوژیکی در دسترس خود مانند حقوق، سیاست، اقتصاد، اخلاق، علوم، پزشکی، مد، فرهنگ، آموزش و پرورش، رسانه های گروهی و غیره را به منظور تحقق سلطه مردان بر زنان به کار می گیرد همانگونه که سرمایه داری از این ابزار برای تثبیت خود استفاده می کند.

## ۳) تیپولوژی فمینیسم:

پژوهش ها درباره فمینیسم و نظریه فمینیستی، به جای آنکه نگرشی مشخصا تاریخی اتخاذ کنند، می کوشند طبقه بندی شسته رفته ای از فمینیسم بر حسب خانواده های نظری مختلف به دست دهند. یکی از انواع عمده این طبقه بندی ها آن است که انواع فمینیسم و فمینیست ها را به سه گروه نامنسجم فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی یا سوسیالیستی و فمینیسم رادیکال تقسیم می کند. خلاصه

<sup>۱</sup> میشل، آندره؛ جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی زاده، نیکا، مشهد: ۱۳۷۷ ص ۱۲

<sup>۲</sup> فریدمن، جین، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، آشتیان، تهران: ۱۳۸۱، ص ۴۷



کوتاه و اجمالی از این تیپولوژی را می توان به این شکل بیان کرد: لیبرال فمینیست ها شامل همه آنهایی هستند که برای حقوق مساوی زنان در چارچوب حکومت لیبرالی مبارزه می کنند، با این استدلال که مبنای نظری ای که این حکومت ها بر آن بنا شده سالم است؛ اما حقوق و امتیازاتی که اعطا می کنند باید به زنان تعمیم یابد و به آنها حق شهروندی مساوی با مردان بدهد؛ از نمونه لیبرال فمینیست ها می توان به سایپرو اشاره کرد که معتقد به حضور زنان به عنوان نمایندگان زنان و خواسته های آنها بود. به این دسته از فمینیست ها انتقاداتی از سوی دیگر گروه های فمینیست وارد شده است، به عنوان مثال دایموند و هارتساک معتقد نیستند که زنان صرفا می توانند در نظام سیاسی جاری گنجانده شوند بلکه معتقدند که اگر زنان قرار است از هر حیث نمایندگی شوند خود نظام باید دوباره تعریف شود. اما آنها نیز همگام با سایپرو معتقدند که زنان برای نمایندگی و اقدام به نمایندگی از طرف زنان در درون مرزهای نظام سیاسی فعلی بهترین اند، چون فقط زن ها قادرند مسائل و مشکلاتی را که بر زندگی شمار بسیاری از زنان تاثیر می گذارد اما تا به حال در دستور برنامه سیاسی نامرئی باقی مانده است، تشخیص دهند.<sup>۳</sup>

فمینیست های مارکسیست و سوسیالیست نابرابری جنسیتی و سرکوب زنان را به نظام تولید سرمایه داری و تقسیم کار سازگار با این نظام مرتبط می دانند، مسائل کار دستمزدی، حقوق مساوی و پیش بینی امکاناتی مثل مراقبت از کودکان برای قادر ساختن زنان به کار، از جمله علائق بلندمدت این دسته از فمینیست ها بوده است؛ از نظر آنها این دو فراگرد مستعمره گردانی و خانم خانه گردانی سخت و علنا به هم گره خورده اند. بدون بهره کشی از مستعمرات بیرونی - قبلا به صورت مستعمرات مستقیم، امروزه در درون تقسیم بندی کار جهانی جدید- ایجاد مستعمره درونی یعنی خانواده ای هسته ای و زنی که مردی "نان آور" خرج او را بدهد عملی نبود. آزار جنسی در محل کار از دیگر موضوعاتی است که این دسته از فمینیست ها به آن توجه کرده و آن را به مثابه توضیحی برای شغل پایین تر و دستمزدهای کمتر زنان در کار دستمزدی مورد بررسی قرار داده اند. از نگاه آنها آزار جنسی یکی از عوامل در توضیح جداسازی شغلی است.<sup>۴</sup> در همین رابطه علاقه مندی به سازمان دهی منصفانه تر کار اغلب فمینیست ها را به جنبش های سوسیالیستی نزدیک کرده است.<sup>۵</sup> فمینیست های رادیکال سلطه مردان بر زنان را ناشی از نظام مردسالاری می دانند که از همه ساختارهای اجتماعی مستقل است، یعنی محصول سرمایه داری نیست. آنها با انتقاد از ویژگی ها و ساختارهای مردانه، بر جهان بدون مردان تاکید می کنند. ممکن است بسته به اینکه این طبقه بندی ها تا چه اندازه فمینیسم مارکسیستی و سوسیالیستی را در ارتباط نزدیک با هم یا دو گروه جدا تلقی می کنند، یا با ارائه یک گروه فمینیست های "دو نظامی" که عناصری از تفکر مارکسیستی و رادیکال فمینیستی را با هم تلفیق می کنند، تنوعاتی در آنها ایجاد شود. همچنین

<sup>۳</sup> فریدمن، جین، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، آشتیان، تهران: ۱۳۸۱، ص ۶۶

<sup>۴</sup> فریدمن، جین، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، آشتیان، تهران: ۱۳۸۱، ص ۷۷

<sup>۵</sup> نگاه کنید به

بررسی های جدیدتر فمینیسم روانکاوانه ، پسامدرن یا پساساختارگرا، سیاه و امثال آنها را به این گروه ها افزوده است.

## جنس و جنسیت:

فمینیست ها وقتی با این توجیه به ظاهر علمی ناتوانی فیزیولوژیک برای طرد زنان از عرصه های وسیع مشارکت اجتماعی روبرو شدند، تردید در مورد ارتباط میان ویژگی های فیزیولوژیک متفاوت و تفاوت گذاری طبیعی در نقش های اجتماعی مرد و زن و برنامه ریزی راه هایی به منظور غلبه بر آن را شروع کردند. در نظر بسیاری از فمینیست ها ، علم آموزه های مبتنی بر جنسیت را ساخت و پرداخت کرده است<sup>۶</sup> و رفع آن مستلزم نفی اهمیت تفاوت های زیست شناسی بین زن و مرد برای سازمان دهی جامعه است. پژوهش درباره این امر در اغلب نظریه های فمینیستی به تفاوت گذاری بین "جنس" روانشناختی و "جنسیت" اجتماعی منجر شده است. از نظر انلو<sup>۷</sup> مراد از جنسیت معنایی است که ما به زن بودن یا مرد بودن اختصاص می دهیم، این عمل اختصاص ، به جنسیت معنایی سیاسی می دهد<sup>۷</sup> این تفاوت گذاری همچنین می تواند با واژه های مونث و زنانه بیان شود، به این معنی که مونث یک گروه زیست شناختی است که زنان به آن تعلق دارند و رفتار و نقش های زنانه ساخت هایی اجتماعی اند که بر مبنای گروه زیست شناختی یاد شده قرار می گیرند. در نتیجه بسیاری از فمینیست ها چنین استدلال کرده اند که در حالی که جنس زیست شناختی تفاوتی است که به طور طبیعی پیش می آید، همه نقش ها و اشکال رفتاری ملازم با زن بودن را جوامع مختلف و به طور تاریخی تولید کرده اند. از نظر آنها نظام اخلاقی مدیریت در وهله نخست مذکر است. این تاکید مشهور سیمون دوبووار که "آدمی زن زاده نمی شود: آدمی زن می شود" حاوی استدلالی بر این مبنا است که موقعیت فرودست زنان یک امر طبیعی یا زیست شناختی نیست بلکه جامعه آن را به وجود آورده است. تمایزی که دوبووار میان جنس زیست شناختی و تولید اجتماعی "مونث ابدی" قائل می شود، سرآغاز تمایزی میان جنس و جنسیت است که در اکثر نظریه های فمینیستی معمول است. جنس واژه ای است که به تفاوت های زیست شناختی میان زن و مرد اشاره دارد: تفاوت مشهود در اندام های جنسی ، تفاوت مربوط به آن در عمل تولید مثل. اما جنسیت مسئله ای است فرهنگی- به طبقه بندی اجتماعی مذکر و مونث مربوط می شود. کریستین دلفی<sup>۸</sup> می گوید: بحث درباره مفهوم جنسیت سه مسئله را مطرح ساخت: تمامی تفاوت های میان دو جنس که به نظر اجتماعی و من درآوردی می رسیدند. استفاده از واژه مفرد ( جنسیت) به جای واژه جمع ( دو جنس) به این معنا بود که تکیه از روی دو قسمت جدا از هم برداشته و روی خود اصل تقسیم گذاشته می شد و فمینیست ها می توانستند توجه شان را بر نحوه ساخته و تقویت شدن این تقسیم

<sup>۶</sup> ریو-سارسه، میشل، تاریخ فمینیسم؛ ترجمه عبدالوهاب احمدی، روشنگران و مطالعات زنان، تهران: ۱۳۸۵ ص ۴۴  
<sup>۷</sup> انلو، سینتیا، خرد در سیاست، مقاله جنسیت و سیاست؛ ترجمه عزت الله فولادوند، طرح نو، تهران: ۱۳۷۷، ص ۴۲۸

<sup>۸</sup> Christine Delphy

متمرکز کنند و سرانجام مفهوم جنسیت فضایی برای شکل گرفتن تصویری از سلسله مراتب و روابط قدرت ایجاد کرد که نشان می داد به این تقسیم بندی می شود از زاویه دیگری نگریست.<sup>۹</sup> در همین رابطه سینتیا انلو<sup>۱۰</sup> تاکید می کند که برای فهمیدن این که چگونه و چرا قدرت بین المللی این شکل هایی را می گیرد که شاهدیم، رویت پذیر کردن زنان ضرورت دارد. بدین ترتیب این متفکر با تاکید بر نقش جنسیت، ریزقدرت های سرکوبگر در عرصه بین المللی را که از دید مکاتب کلاسیک پنهان مانده بود را به چالش می کشد.

## ۴) پیشینه و سیر تاریخی فمینیسم:

کلیشه های جنسیتی به عنوان یکی از پایدارترین کلیشه های فرهنگی در همه جوامع از دوران باستان تاکنون وجود داشته است، بدین ترتیب از زمان ارسطو که زنان از دایره شهروندی رانده شدند تا رنسانس و اصلاح مذهبی تغییری در نگاه زن ستیزانه به زنان ایجاد نشده است و حتی اندیشمندانی چون روسو، بیکن و حتی نیچه موقعیت فرودستی زنان را استحکام بخشیده و زنان را موجوداتی فروتر و در مرتبه پایین تر از مردان به حساب می آورند. به عنوان نمونه بیکن با صراحت تمام از استعاره های مربوط به دو جنس برای بیان نظر خود درباره معرفت علمی در مقام طبیعی که در آن صورت و ماده که دیگر جدا از هم نیستند استفاده می کند. در تفکر یونانیان زن بودن ارتباطی نمادین با هر آنچه غیرعقلانی، نابسامان و ناشناختنی است، یا هر آن چیزی که در راه پرورش معرفت باید از آن دست کشید داشت. بیکن صورت و ماده را به هم پیوند داد؛ طبیعت قابل شناخت به شکل جنس زن عرصه می شود و کار علم اعمال تسلط بحق مرد بر آن.<sup>۱۱</sup> گرچه در مقابل این زن ستیزی از همان دوران باستان مقاومت هایی صورت می گرفت و افرادی نظیر جان استوارت میل و دیگران به انتقاد از این رویکرد مرد محورانه پرداختند، اما اغلب این حرکات به شکل مقطعی و فردی بوده و خصوصیت یک جنبش فراگیر را نداشت.

## تاریخ و زنان:

اولین اعتراض ها نسبت به فرودستی زنان در اواخر قرن هجدهم و در زمان انقلاب فرانسه و بعد از استقرار حکومت جمهوری، از بین رفتن نظام سلطنت و تصویب لایحه حقوق بشر در پارلمان فرانسه اتفاق افتاد. "اولمپ دگوز که خود در انقلاب کبیر فرانسه نقش داشت، در اعتراض به قانونی که در آن حقوق زنان نادیده و تزییع شده بود، لایحه ای را به مجلس پیشنهاد کرد و در آن از حق کار زنان، حقوق قانونی خانواده، حق آزادی بیان و پارلمان مستقل دفاع کرد، این لایحه به تصویب نرسید و موجب مرگ

<sup>۹</sup> فریمن، جین، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، آشتیان، تهران: ۱۳۸۱، ص ۲۹

<sup>۱۰</sup> Cynthia Enloe

<sup>۱۱</sup> لوید، ژنویو؛ عقل مذکر، مردانگی و زنانگی در فلسفه غرب؛ ترجمه محبوبه مهاجر، نی، تهران: ۱۳۸۱

پیشنهاد دهندگان آن شد.<sup>۱۲</sup> اما این جریان در داخل فرانسه و در خارج آن ادامه پیدا کرد از جمله دنبال کنندگان این جریان ماری ولستون کرافت را می توان نام برد. وی از اولین نمونه فمینیست های لیبرال است. او در کتاب "استیفای حقوق زنان" تفاوت های ذاتی میان زنان را مورد انکار قرار داد و تفاوت های موجود را زاییده محیط اجتماعی دانست. ایده کرافت بعدها توسط جان استوارت میل در کتاب کنیزک کردن زنان پی گرفته شد، میل در کتاب خود احساس مردان در حاکمیت را به عنوان سرسخت ترین و انعطاف ناپذیرترین احساسات خواند و بر نقش آموزش در ارتقای موقعیت اجتماعی زنان تاکید کرد. در همین رابطه او نوشت "جمع کل تجربیات بشر، هیچگونه دلیل و مدرکی در بر ندارد دال بر اینکه عناصر طبیعی متفاوتی، زنان و مردان را با مقام های اجتماعی متفاوت سازگار کرده و هر یک را به اقتضای طبیعتش در مقام متناسب خودش جا داده است"<sup>۱۳</sup> در قرن نوزدهم فعالیت های زنان برای احقاق حقوق خود شکل سازمان یافته تری یافت و در پی آن سه موج فمینیستی شکل گرفت که در ادامه فصل و در مبحث موج های فمینیستی به آنها خواهیم پرداخت.

## نقش زنان در زندگی سیاسی:

سابقه جنبش سیاسی زنان و اندیشه های مربوط به آن را باید از انقلاب فرانسه به بعد پیگیری کرد. المپ دوگوژ نویسنده فرانسوی در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه حقوق زن و شهروند اعلام داشت: همچنان که زنان حق دارند بالای چوبه دار بروند به همین سان حق دارند که بالای سکوی خطابه بروند. در انگلستان جنبش سیاسی زنان برای کسب حقوق سیاسی در سال ۱۸۶۵ آغاز شد. در ایالات متحده کنگره زنان در سال ۱۸۵۰ برای دفاع از حق رای زنان تشکیل گردید. در سال ۱۸۶۹ جان استوارت میل فیلسوف سیاسی معروف انگلیسی کتابی تحت عنوان «کنیزک کردن زنان» را نوشت که مورد استقبال عمومی قرار گرفت و خود نخستین لایحه اعطای حق رای به زنان را به پارلمان انگلیس تقدیم کرد. در همین سال ها انجمن های سیاسی زنان در بسیاری از کشورهای اروپایی تشکیل گردید. در انگلستان اتحادیه ملی حق رای برای زنان در سال ۱۸۶۷ تشکیل شد و اعتصابات و تظاهراتی برای نیل به اهداف خود به راه انداخت. در آمریکا انجمن ملی حق رای زنان در سال ۱۸۶۹ تشکیل شد. در فرانسه اتحادیه حقوق زنان در سال ۱۸۷۶ تاسیس گردید. جنبش سوسیالیسم نیز از آغاز برای حقوق زنان مبارزه می کرد. فریدریش انگلس در کتاب منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت اظهار داشت که سرنگونی حق مادری و مادرسالاری در نتیجه سلطه مردان به معنی شکست تاریخی زن بود. آگوست ببل از سوسیالیست های اولیه بر آن بود که زنان باید هم از یوغ سرمایه داری و هم از نظام پدرسالاری رهایی یابند. جنبش بین المللی سوسیالیستی زنان به عنوان جزیی از جنبش جهانی سوسیالیسم در سال ۱۹۰۷ و سپس ۱۹۱۵ کنگره ای تشکیل داد و خواستار اعطای حق رای به زنان و مشارکت آنان در جنبش پرولتاریا شد. جنبش

<sup>۱۲</sup> نگاه کنید به فرهنگ واژه ها- فمینیسم- ص ۴۲۷

<sup>۱۳</sup> میل، جان استوارت، کنیزک کردن زنان، ترجمه خسرو ریگی، بانو، تهران: ۱۳۷۷ ص ۳۸.